

در آمدی بر مطالعات بندهش (نسخ و منابع)

○ مصطفی دهقان

«هان! زندآگاهی*، نخست، درباره آفرینش آغازین هرمزد و پتیارگی اهریمن؛ سپس، درباره چگونگی آفریدگان مادی از آغاز آفرینش تا فرجام است، همانگونه که از دین مزدیسنان پیداست؛ سپس درباره آنچه که جهان داراست با گزارش چنی و چگونگی (ان)»^۱

کتاب بندهش (Ban-dahis) پس از دینکرد، یکی از مهم‌ترین متون بازمانده از ادبیات پهلوی است که می‌توان آن را دائرةالمعارفی از اطلاعات مربوط به مزدیسنا محسوب کرد. عنوان کتاب به معنای آفرینش نخستین است و چنانکه از این عنوان برمی‌آید، بخش مهمی از مطالب کتاب به مسأله آفرینش و نقل روایات دینی چون: آفرینش امشاسپندان، آفرینش دیوان توسط اهریمن، آفرینش گاو یکتا آفریده که گیاهان و غلات از او پدید می‌آیند، یورش اهریمن بر آفرینش، نبرد ایزدان و دیوان، درباره زیج گیهان، اعمال ایزدان مینوی، بدکرداری اهریمن و دیوان، چینی دپل و روان درگذشتگان، رستاخیز و تن پسین، چگونگی کوهها، دریاها، رودها، دریاچه‌ها، جانوران، مردمان، زنان، گیاهان، آتش، خواب، یادو ابرو باران، خرفستران و... می‌پردازد.

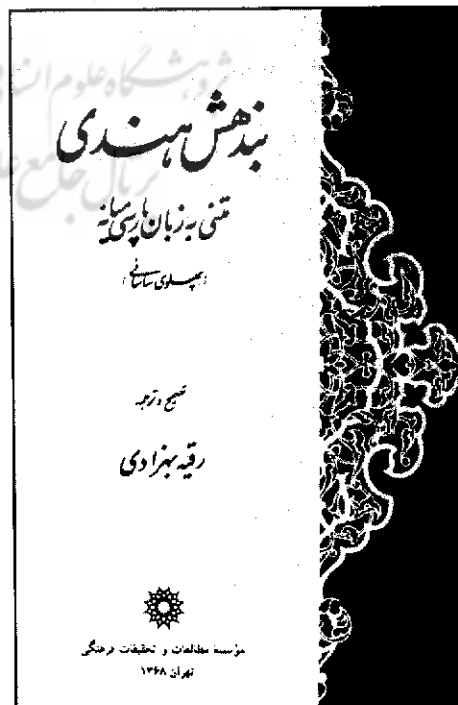
ترجمه روان‌شاد مهرداد بهار از بندهش گامی است بسیار ارزشمند و مؤثر در مسیر نزدیک شدن به معرفت واقعی مفاهیم مستتر در این کتاب که به حق از تمامی مترجمین اروپایی آن پیشی گرفته است. با این وجود هنوز نکته‌های فراوانی مشهود است که درک آنها مستلزم دیدی عمیق‌تر بر مطالب این کتاب است.

به نظر می‌رسد هر اندازه که طبقه‌بندی، ترجمه، آوانویسی و موشکافی واژه به واژه و دستوری بندهش و متونی از این دست مهم است، تفسیر و تحلیل اندیشه‌های نهفته در چنین متونی نیز قابلیت تأمل بیشتری را دارند.

دو روایت از بندهش به نام‌های بندهش ایرانی یا بزرگ و بندهش هندی یا کوچک به جای مانده است. اختلاف این دو روایت مولود عدم دقت نسخه‌پردازان است و حتی بسیاری معتقدند که نام بندهش کوچک

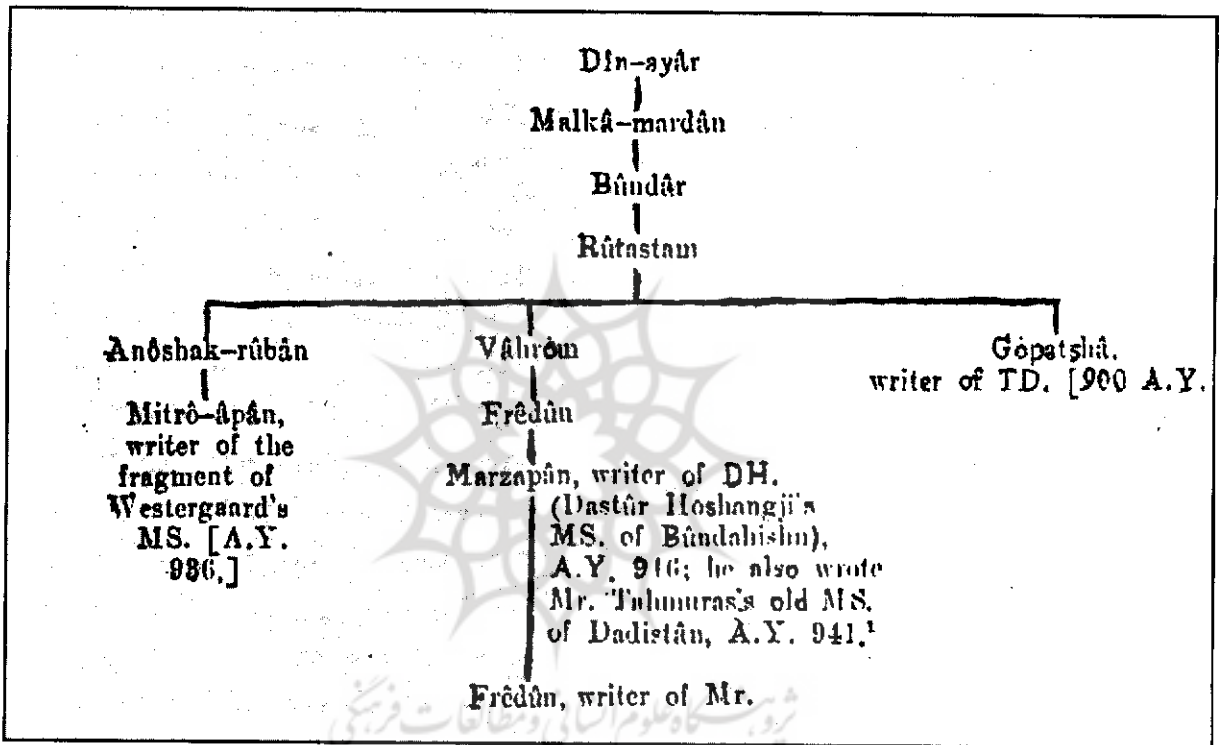
اشاره:

این نوشته مقاله‌ای است پیرامون کتاب بندهش که یکی از مهم‌ترین منابع مطالعه ایران باستان محسوب می‌شود. ضمن معرفی مختصر کتاب و اشاره به محتوای آن، نگارنده سعی کرده تا حد امکان فهرست معتبری از آثار و تحقیقات ارائه شده در این زمینه را به انضمام نسخه‌شناسی این کتاب ارائه کند.



جدول شجره نامه مالکان و کاتبان نسخ بندهش که انکلساریا در مقدمه کتاب خود آورده است

T, D, Ankiesaria, The Bundahish, being a Facsimile of the Tb Ms, No, 2, Bombay, 1908



و بزرگ و یا هندی و ایرانی برای آن مناسب نیست چه بسا که نسخ به جای مانده از بندهش هندی در پاره‌ای از مطالب با گونه‌های ایرانی آن مشترک است و در واقع می‌توان آن را نسخه کوتاه شده‌ای از بندهش ایرانی دانست. از این کتاب چندین نسخه در دست است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: TD1 و TD2 و DH که هر سه آنها از نسخ بندهش ایرانی هستند.

نسخه DH در مجموعه متن‌های پهلوی و به همراه زند و هومن یشت و بخش‌هایی از کتاب سوم و پنجم و نهم دینکرد آمده است. از روی برگ ۱۶۰ تا پشت برگ ۲۳۰ بندهش نوشته شده و پس از آن زند و هومن یشت و بخش‌هایی از دینکرد می‌آید. هر برگ این نسخه از ۲۱ سطر و به اندازه ۱۸×۲۴ تشکیل شده است. این نسخه نیز نگاشته فریدون مرزبان و مورخ ۹۴۶ یزدگردی است.^۲

در میان نسخ هندی، شاید نسخه MS1، یعنی همان که یوستی کتاب بندهش هندی خود را در سال ۱۸۶۸ بر مبنای آن به چاپ رساند از مابقی بهتر باشد.^۳ این کتاب شامل مقدمه، ترجمه آلمانی، واژه‌نامه، آوانویسی و متن اصلی نسخه که بنابر پایان نوشت آن دست نوشته خود یوستی از نسخه MS1 است، می‌شود. مطالب این کتاب قدیمی و

نسخه TD1 از یکصد و یک برگ اصلی به اندازه ۱۸×۲۳ تشکیل شده که روی برگ نخست آن سفید است و برگ آخر آن بنا بر اظهار روانشاد ماهیار نوابی در زمانی دیرتر نوشته شده است.^۲ برگ‌های اصلی از ۲ تا ۱۰۲ هر یک هفده سطر دارد و برگ آخر از شانزده سطر تشکیل شده است. این نسخه از یزد به بمبئی برده شده و چنانکه در برگ پایانی آمده به خط گوید شاه رستم بندار است. این نسخه علاوه بر اینکه بهترین نسخه بازمانده از بندهش است، ظاهراً کهن‌ترین آنها نیز هست و حدود سال ۹۰۰ یزدگردی نوشته شده است.

نسخه TD2 از یکصد و بیست و دو برگ به اندازه ۱۹×۲۴ تشکیل شده

دستموس ت ۲۸

متن الفبی از ۱ بندش

خویشکاری ریدکان ویران

دکتر هیدیه درانی
دکتر محمد علی
دکتر حسن مازانی
دکتر محسن مازانی



مؤسسه آرسیال ایران
تهران - خیابان ولیعصر
شماره ۱۳۸

Handwritten manuscript text in vertical columns, consisting of dense Persian script in black ink on aged paper.

ادامه می‌یابد.^۷

از بندش قطعات دیگری نیز به طور ناقص به جای مانده که از جمله آنها می‌توان به K20b و K43 و MH6 اشاره کرد. همچنین چندین نسخه پازند از کتاب بندش موجود است که بنابر اظهار روانشاد بهار در بخش دستنویس‌های پهلوی و اوستا در کتابخانه India Office نگهداری می‌شود.^۸ نسخه‌ای نیز موسوم به MH7 وجود دارد که شامل متن پازند بندش به الفبای فارسی است.

در کتابخانه ملی پاریس نیز رونوشتی از بندش ایرانی موجود است که در سال ۱۸۹۰ میلادی برای دارمستتر، مستشرق فرانسوی توسط تهمورت انکلساریا نوشته شده است. شادروانان بهار و ماهیار نوایی در مورد این که رونوشت مذکور از روی نسخه TD1 یا TD2 تهیه شده اتفاق نظر ندارند. دکتر بهار آن را رونوشت نسخه TD2 و دکتر ماهیار نوایی آن را رونوشت نسخه TD1 می‌داند.

انکتیل دو پرون که در ترجمه بسیاری از متون ایرانی پیشگام سایر مستشرقین بوده، در مورد بندش نیز نخستین کسی است که در سال ۱۷۷۱ دست به ترجمه و انتشار آن زد.^۹ پس از او مولر،^{۱۰} وسترگاردت،^{۱۱} هورگ،^{۱۲} شپیگل^{۱۳} و ویندیشمان^{۱۴} ترجمه‌های دیگری از بندش را برخی به صورت کامل و برخی تنها فصولی از آن را ارائه دادند. بعد از آنها، یوستی در سال ۱۸۶۸، بندش هندی را منتشر کرد و ادوارد وست در سال ۱۸۸۰ ترجمه‌ای دیگر از بندش را در بخش نخست از جلد پنجم

آوانویسی آن با الفبای فارسی و سرشار از اشتباه و هژوارشهای آرامی است. چاپ رونوشت این نسخه صفحات ۱ تا ۸۲ کتاب را دربر گرفته و در هر برگ آن معمولاً ۲۱ سطر و گاهی کمتر نوشته شده است.

نسخه دیگری از بندش هندی موسوم به MV۴۹ نیز موجود است که در سال ۱۹۷۶ توسط مؤسسه آسیایی دانشگاه شیراز و به صورت عکسی به چاپ رسیده است.^{۱۵}

بر هر برگ این نسخه هفت سطر نوشته شده و اندازه آن ۲۲/۸×۱۴ است. آوانویسی این متن به گجراتی و همراه با ترجمه فارسی در زیر هر سطر است. این نسخه کلاً دارای ۲۶۳ صفحه است که صفحات ۲۵۸ تا ۲۶۳ آن فصل نوزدهم «شایست نشایست» را شامل می‌شود و صفحات ۲۶۹ - ۱۴۹ آن فاقد ترجمه فارسی است. این نسخه پایان نوشت ندارد.

نسخه هندی دیگری به نام K20 نیز در مجموعه‌های پهلوی به جای مانده که از سطر پنجم برگ ۸۸ آن آغاز می‌شود و تا سطر ۲ برگ ۱۲۹

Handwritten title in Persian script: "تصحیح کبریا"

تصحیح کبریا

Handwritten text: "در بیان سوره سوره"

Handwritten text: "در بیان سوره سوره"

Handwritten text: "در بیان سوره سوره"

Handwritten text: "در بیان سوره سوره"

Handwritten text: "در بیان سوره سوره"

Handwritten text: "در بیان سوره سوره"

Handwritten text: "در بیان سوره سوره"

Handwritten text: "در بیان سوره سوره"

Handwritten text: "در بیان سوره سوره"

مودی^۳، گوئسه^۴، نیبرگ^۵، کریستن سن^۶ و مکنزی^۷ اشاره کرد.

در بین محققین داخلی، تقی زاده از نخستین کسانی است که به این متن توجه داشته است. او بخش نجومی بندهش را در کتاب گاهشماری خود ترجمه کرده است.^۸ اما بیشترین سهم، از آن دکتر بهار است که نخستین بار در سال ۱۳۴۵ وازه نامه بندهش را منتشر کرد.^۹ از آنجا که تا آن زمان از مجموع سه نسخه ایرانی تنها TD2 چاپ عکسی شده بود، وازه نامه دکتر بهار نیز عمدتاً براساس همین نسخه تهیه شده اما به دلیل غلطها و افتادگی های فراوان این نسخه، از نسخه دارمستر و نسخه بدل های DH و گاهی از بندهش هندی یوستی نیز استفاده شده است.^{۱۰} از ویژگی های این وازه نامه آن است که شکل های نگارشی متفاوت یک وازه را به دست می دهد. صورت های مختلف یک فعل زیر مصدر آن فعل آمده و اسامی مفرد و جمع و مرکب جداگانه ارائه شده اند. هزوارش ها (=کلمات آرامی) نیز با حروف بزرگ لاتین متمایز شده اند.

THE BUNDASHISH

Being a Facsimile of the TD Manuscript No. 2 brought from Persia by Dastur Firanids and now preserved in the late Ervad Tahmuras' Library

EDITED

BY

THE LATE ERVAD TAHMURAS DINSHAJI ANKLERARIA

WITH

AN INTRODUCTION

BY

BEHANGORE TAHMURAS ANKLERARIA, M.A.

The Facsimile is printed at the Poon Photo-Zinc Process Works

Printed and Published by ERVAD TAHMURAS ANKLERARIA, M.A. BEHANGORE, INDIA

1908

مجموعه کتب مقدس شرق ارائه کرد.^{۱۱}

در سال ۱۸۹۷ اونوالا متن پهلوی بندهش را به صورت چاپ سنگی منتشر کرد.^{۱۲}

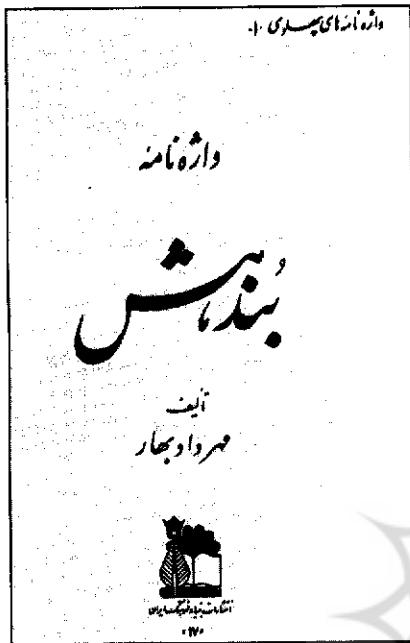
در سال ۱۹۰۱ مودی ترجمه کاملی از بندهش را به گجراتی انتشار داده.^{۱۳} پیش از او نیز ترجمه های دیگر به گجراتی توسط دستور اداالجی دارابجی جاماسپ آسا در ۱۸۱۹ ارائه شده بود که نسبت به کار مودی از ارزش کمتری برخوردار است.^{۱۴}

در ۱۹۰۸ تهمورث دینشاه انکلساریا چاپ عکسی نسخه TD2 را با مقدمه ای جامع منتشر کرد.^{۱۵}

نیبرگ، فصول اول و سوم بندهش را ترجمه کرده است.^{۱۶} و بیلی ترجمه بندهش براساس نسخه TD2 را به عنوان رساله دکتری خود ارائه نموده^{۱۷} که استاد بهار به آن دسترسی داشته و در ترجمه خود از بندهش از آن استفاده کرده است. هنینگ^{۱۸} بخش نجومی بندهش و زئر فصول اول و سوم بندهش را با آوانویسی در کتابش زروان منتشر کرده است.^{۱۹} علاوه بر این، بهرام گور تهمورث انکلساریا آوانویسی و ترجمه انگلیسی بندهش را در ۱۹۵۶ به چاپ رسانده است.^{۲۰} این اثر دوازده سال پس از مرگ انکلساریا منتشر گشته است.

مقالات متعددی نیز در مورد بندهش نوشته شده که دکتر ماهیار نوابی عمده آنها را در مقدمه خود بر چاپ عکسی بندهش ایرانی فهرست کرده است. از جمله آنها می توان به مقالات "کانگا"^{۲۱}، "جاماسپ آسا"^{۲۲}

سراغاز نسخه M51 دستنوشته «فردیناد یوستی»



سراغاز نسخه M51 دستنوشته «فردیناد یوستی»
 در این کتاب، واژه‌های عربی پرهیز شده و تا آنجا که
 ممکن بوده سعی شده تا سبک اصلی متن نخورده باقی بماند.
 یادداشت‌های کتاب نکات مبهم را شرح کرده اما چنانچه خود استاد در
 پیشگفتار اظهار داشته‌اند: «فهم مطالب این کتاب تنها به یاری
 یادداشت‌های خود آن ممکن نیست باید حتماً به یادداشت‌های پژوهشی
 در اساطیر ایران نیز رجوع کرد.»^{۲۸}
 دکتر بهار در کتاب دیگر خود پژوهشی در اساطیر ایران^{۲۹} نیز
 بخش‌هایی از بندش را ترجمه کرده که گاه تفاوت‌هایی جزئی با ترجمه
 کل آن دارد.
 از دیگر ویژگی‌های این ترجمه این است که در آغاز هر بخش شماره
 صفحه و سطر هر یک از سه نسخه TD1، TD2 و DH آمده است و
 خواننده علاقه‌مند به قیاس مطالب را به نسخ مورد نظر ارجاع می‌دهد.
 دکتر ماهیار نوبی که در نسخه‌شناسی بندش کوشاتر از دیگران
 بوده و چندین مقاله نیز در این زمینه نگاشته‌اند.^{۳۰} سه نسخه مذکور را
 یکبار براساس TD1 و یکبار بر اساس TD2 مقایسه کرده است که در
 یادنامه دومنانش^{۳۱} منتشر شده و دکتر بهار نیز بخشی از آن را که مطابقت

آمده است که ربطی چندان به اصل مطلب ندارد و به صحت آنها
 نمی‌توان مطمئن بود.»^{۳۲}

با این وجود نمی‌توان صراحتاً ارزش نسخه هندی را در تصحیح و
 مقابله با دیگر نسخ مردود دانست، چه بسا که علاوه بر کاستی‌ها و
 اشتباهات فراوان آن، مطالبی نیز در آن به چشم می‌خورد که در نسخه
 ایرانی کمتر به آنها اشاره شده است.

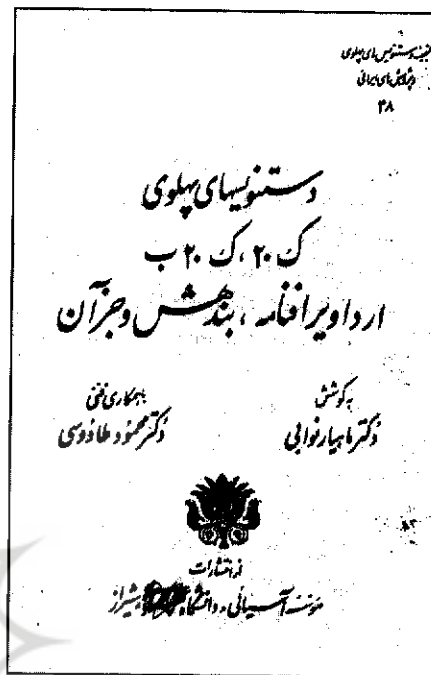
در این ترجمه از به کارگیری واژه‌های عربی پرهیز شده و تا آنجا که
 ممکن بوده سعی شده تا سبک اصلی متن نخورده باقی بماند.
 یادداشت‌های کتاب نکات مبهم را شرح کرده اما چنانچه خود استاد در
 پیشگفتار اظهار داشته‌اند: «فهم مطالب این کتاب تنها به یاری
 یادداشت‌های خود آن ممکن نیست باید حتماً به یادداشت‌های پژوهشی
 در اساطیر ایران نیز رجوع کرد.»^{۲۸}

دکتر بهار در کتاب دیگر خود پژوهشی در اساطیر ایران^{۲۹} نیز
 بخش‌هایی از بندش را ترجمه کرده که گاه تفاوت‌هایی جزئی با ترجمه
 کل آن دارد.

از دیگر ویژگی‌های این ترجمه این است که در آغاز هر بخش شماره
 صفحه و سطر هر یک از سه نسخه TD1، TD2 و DH آمده است و
 خواننده علاقه‌مند به قیاس مطالب را به نسخ مورد نظر ارجاع می‌دهد.

دکتر ماهیار نوبی که در نسخه‌شناسی بندش کوشاتر از دیگران
 بوده و چندین مقاله نیز در این زمینه نگاشته‌اند.^{۳۰} سه نسخه مذکور را
 یکبار براساس TD1 و یکبار بر اساس TD2 مقایسه کرده است که در
 یادنامه دومنانش^{۳۱} منتشر شده و دکتر بهار نیز بخشی از آن را که مطابقت

چاکسی نیز طی مقاله‌ای برخی واژگان بندش را ترجمه کرده
 است. این مقاله که حدوداً در ۶۵۰ مدخل اصلی و بنا بر نسخه TD2
 تنظیم شده شامل ترجمه انگلیسی و گاهی شرحی کوتاه است. هر مدخل
 به شماره صفحه و سطر نسخه TD2 ارجاع می‌شود و در واقع فهرست
 ضمیمه‌ای است بر نسخه TD2. چاکسی به صورت پازند واژه‌ها و
 اشتقاق‌های فارسی باستان و اوستایی نیز نظر داشته است.^{۳۳}
 بنیاد فرهنگ ایران پس از انتشار واژه‌نامه بندش چاپ عکسی از
 روی نسخه TD1 و DH را که علاوه بر بندش شامل زند و هومن پشت
 و بخش‌هایی از دینکرد نیز می‌شود را، انتشار داد.^{۳۴}
 دکتر بهار در ترجمه خود از بندش تنها به این نسخ ایرانی توجه
 داشته و به نسخه هندی چندان نظری نداشته و چنین اظهار کرده است
 که: «تقریباً هر جا اشکالی در کار قرائت و فهم مطلب بود، بندش هندی
 قادر به یاری رساندن نبود و در بسیاری جاها املاهایی در بندش هندی



Handwritten text in Pahlavi script, likely a list of contents or a preface, with some lines numbered 1 through 11. The text is dense and difficult to read due to the cursive script.

سه نسخه براساس TD2 می باشد در کتاب خود آورده است.

علاوه بر این، خانم بهزادی، متن بندش هندی را تصحیح و ترجمه کرده که مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی در سال ۱۳۶۸ آن را منتشر کرده است.^{۳۳} این کتاب علاوه بر ترجمه فارسی، آوانویسی متن را نیز به دست می دهد و از آنجا که نخستین ترجمه فارسی از بندش هندی است، حائز اهمیت می باشد.

ایشان همچنین مقالاتی را نیز پیرامون بندش نگاشته اند که از آن میان می توان به «گیاه شناسی در کتاب بندش»^{۳۴} و «جانوران سودمند در منتهای پیش از اسلام»^{۳۵} اشاره کرد.

ظاهراً قرار بود چرتی^{۳۶} ایران شناس ایتالیایی - در نخستین همایش ایران شناسی به سخنرانی پیرامون بندش بپردازد که احتمالاً می توانست یکی از آخرین تحقیقاتی باشد که تاکنون در مورد این متن انجام شده، اما او در این همایش حضور نداشت. در انتها، شایان ذکر است که مهم ترین منبع برای تألیف بندش، ترجمه ها و تفسیرهای اوستا به ویژه دام داد نسک، چهار داد نسک، زند فصل اول و نندیداد و یشت نوزدهم بوده است.^{۳۷}

پی نوشت ها:

* زندآگاهی نام اصلی کتاب است به معنی «اطلاعات مبتنی بر زند»

۱- بهار، مهرداد: بندش، توس، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص ۳۳

۲- بندش ایرانی، چاپ عکسی از روی نسخه شماره یک، بنیاد

فرهنگ ایران، ۱۳۴۸، مقدمه، ص ۳-۲.

۳- همان، ص ۲-۱.

۴- همان، ص ۵-۴.

5- F, Justi, Der Bundehesh Zum

ersten Male, Herausgegeben,

Transcribirt,ubersetzt und mit Glossar

Verschen, Leipzig, 1868.

6- Kh, M, Jamasp Asa and Y. M.

Nawabi, MS. MU49, Incomplete texts of

Indian Bundahish and Sayast ne Sayast,

Shiraz, 1976.

۷- مجموعه K20 که در کینهاک نگهداری می شود کلاً شامل ۱۷۸

برگ بوده که پنج برگ آن گم شده است و یک برگ از این پنج برگ گم

شده از بندش است. چاپ عکسی از روی نسخه شماره «۱»، پیشین، ص ۸.

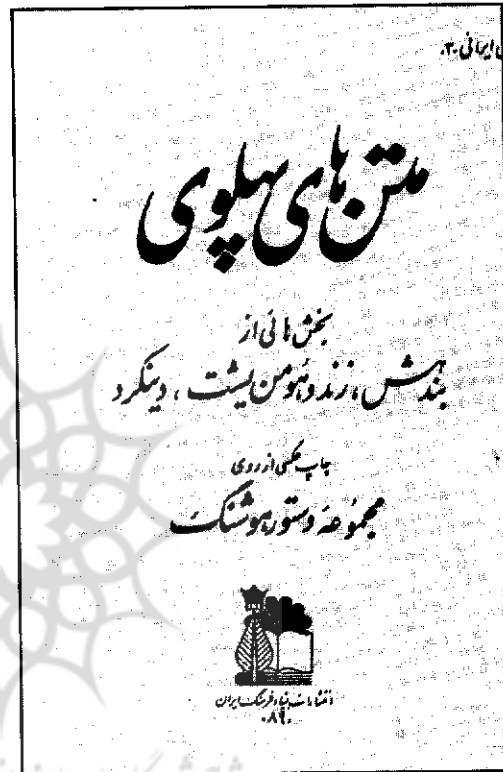
۸- بهار: پیشین، پیشگفتار، ص ۸

- 15- E. W. West, Pahlavi Texts, Part 1, The Bundahish, Sacred Books of the East, 5, Onford, 1880.
- 16- M, R, Unvala, The Pahlavi Bundahesh, Lithographed, Bombay, 1897.
- 17- J, J, Modi, Bundahishn, Complete text and translation in Gujarati, Introduction and notes, Bombay, 1901.
- 18- E, D, Jamasp Asana, Bundehesht no Tarjumo, Bombay, 1819.
- 19- T, D, Anklesaria and Introduction by B, T, Anlesaria, The Bundahishn, being a Facsimile of the TD Manuscript No, 2, Bombay, 1908.
- 20- H, S, Nyberg, Hilfsbuch des Pehlevi, Vppsala, 1928.
- 21- H, W, Bailey, Bundahish, Transliteration and notes, (Thesis)

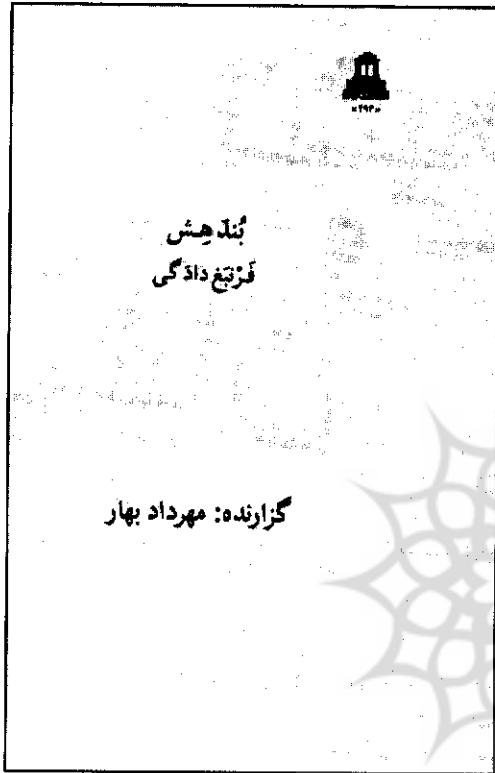
نسخه‌های ماشینی شده آن در کتابخانه مدرسه زبان‌های شرقی دانشگاه لندن و کتابخانه بودلیان آکسفورد موجود است.

چاپ عکسی از روی نسخه شماره «۱» پیشین، ص ۱۴.

- 22- W, B, Henning, An Astronomical Chapter of the Bundahishn, J. R. A. S. 1942, PP. 229-250.
- 23- R, C, Zaehner, Zurvan, Zoroastrian Dilemma, Oxford, 1955.
- 24- B, T, Anklesaria, Zand - Akasih, Iranian of great Bundahish Transliteration and Translation in English, Bombay, 1956.
- 25- S, N, Kanga, The Homa tree and the Kar-fish of the Bundahishn and the trees of knowledge and life and the serpent of the Bible, A Gomparrison, Spiegel Memorial Volume, Bombay, 1908, p.p, 1-11.
- 26- M, J, Jamasp Asa, The Bundahish and the Paradise Lost, Spiegel Memorial Volume, Bombay,



- 9- A, Anquetil du perron, Zend-Avesta, Paris, 1771.
- 10- M, J, Muller, Untersuchungen uber den Anfany des Bundahesh, Denkschrift der Akademie der Wissenschaften, Munchen, 1840.
- 11- N, L, Westergaard, Bundahesh, Liber Pehlevicus E vetustissimo codice Havniensi descripsit, 1851.
- 12- M, Haug, uber die Pehlewi-c Sprache und den Bundahesh, Gottingen, 1854.
- 13- F, Spiegel, Das erste Capitel des Bundahesh, Z. D M.G, 11. 1857, pp. 98-110
- 14- F, H, H, Windischmann, Bundahesh, ubersetzt, Zoroastrishe Studien, Berlin, 1863



۴۰ - علاوه بر مقدمه‌ای جامع که بر چاپ عکسی TD1 و مجموعه

DH نوشته‌اند می‌توان به مقاله ذیل اشاره کرد:

Y.M. Nawabi, Concordances of the Manuscripts of the Bundaheshn: TD2, TD1 and DH, Memorial Jean de Menasce, PP, 293-303.

41- Ph, Gignoux et A, Tafazzoli, Memorial Jean de Menasce, Tehran-Louvain, 1974.

۴۲ - بهزادی، رقیه: بندهش هندی متنی به زبان پارسی میانه، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸.

۴۳ - گیاه‌شناسی در کتاب بندهش، چیستا، س ۴، ش ۹، اردیبهشت ۱۳۶۶.

۴۴ - جانوران سودمند در متن‌های پیش از اسلام، چیستا، س ۵، ش ۷، اسفند ۱۳۶۶.

45- C, G, Cereti

۴۶ - تفضلی، احمد: تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، انتشارات سخن،

۱۳۷۸، صص ۱۴۵-۱۴۱.

1908, pp, 42-136.

27- J, J, Modi, A note on the antiquity of Man, An Iranian View of the Creation of Man, Anthropological Papers 2, 1918, PP. 118-233.

28- A, Gotze, Persische Weisheit in griechischen Gewande, Ein Beitrag Zur Geschichte der Mikrokosmos Idee, Zeitschrift fur Indologie und Iranistik, 2, Leipzig, PP, 60-98.

29- H, S, Nyberg, Questions de cosmogonie et de Cosmologie Mazdeennes, Journal Asiatique, 1929-1931.

30- A, Christensen, Remarques sur les Sources du Bundahish, Actes du XVIII, Congres International des Orientalistes, Leiden, 1931, PP, 7-12.

31- D. N. Mackenzie, Zoroastrian Astrology in Bundahish, Bulletin of the school of Oriental and African Studies, PP, 511-539.

از مکنزی همچنین مقاله‌ای با عنوان « بندهش » در مجلد چهارم دایرة المعارف ایرانیکا به چاپ رسیده است:

D.N.mackenzie, Bundahish, Ercyclopaedia Iranica, vol, IV, ed. by Ehsan yarshater, pp.547-551, london and Newyourk, 1990

۳۲ - تقی‌زاده، سیدحسین: گاه‌شماری در ایران قدیم، طهوری، ۱۳۱۶.

۳۳ - بهار، مهرداد: واژه‌نامه بندهش، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.

۳۴ - همان، مقدمه، ۵

35- J, K, Choksy, An Annotated index of the Greater or Iranian Bundahish (TD2), Studia Iranica, 15, 2, 1986, PP. 203-242.

۳۶ - متن‌های پهلوی، بخش‌هایی از بندهش، زند و هومن‌یشت، دینکرد، چاپ عکسی از روی مجموعه دستور هوشنگ بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.

۳۷ - بهار: پیشین، پیشگفتار، ص ۷.

۳۸ - همان، ص ۱۶.

۳۹ - بهار، مهرداد: پژوهشی در اساطیر ایران، توس، ۱۳۶۳.